

## سبک‌شناسی فکری اشعار ابن نضوح شیرازی

(شاعر منسوب به تسنن دوازده‌امامی در قرن هشتم)

مسلم نادعلی‌زاده<sup>۱</sup>، علی خالق‌یار<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از سخنوران بزرگ زبان فارسی که هنوز هم نزد بسیاری از اهالی فرهنگ و ادب ناشناخته باقی مانده، شاعر و عارف نامی قرن هشتم، ابن نضوح شیرازی است. از اشعار وی در منقبت امیرالمؤمنین و آل عباس<sup>۳</sup> و تفضیل ایشان بر دیگران، گرایش شیعی‌اش آشکار می‌شود. پژوهش حاضر که با هدف شناخت ویژگی‌های فکری اشعار باقی‌مانده از ابن نضوح شیرازی انجام شده، در تلاش است تا با ارائه نمونه‌های شعری شاعر و ویژگی‌های برجسته آن، باب‌آشنایی با این سخنور سبک عراقی را بگشاید. یافته‌های این پژوهش که براساس اشعار ابن نضوح در نسخه‌های خطی صورت گرفته، نشان می‌دهد که پس از مدح جلایریان، نعت و منقبت پیشوایان دینی، اخلاقیات، توصیفات هنری و عاشقانه، عقل‌گرایی، تصوف و موضوعات اجتماعی، بالاترین بسامد را در اشعار وی داراست. بدین ترتیب ابن نضوح را می‌توان پس از حافظ در کنار سخنوران بزرگی چون سلمان ساوجی، خواجه کرمانی، کمال خجندی و... از چهره‌های شاخص و برجسته شاعران سبک عراقی در قرن هشتم دانست.

واژه‌های کلیدی: ادبیات شیعی، شعر فارسی قرن هشتم، ابن نضوح شیرازی، سبک‌شناسی شعر، سطح فکری.

۱. عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه بین‌المللی اهل بیت<sup>۴</sup>. moslemnadali@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت<sup>۴</sup>.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

## ۱. مقدمه

ابن نضوح شیرازی از جمله شاعران و سخنوران برجسته ادب فارسی است که به احتمال زیاد در اوایل قرن هشتم هجری در یک خانواده متمکن به دنیا آمده است. راجع به نام، تاریخ ولادت، زندگی و خانواده وی اطلاعات دقیقی در دست نیست. از لابه لای اشعار باقی مانده از او نیز معلومات زیادی راجع به زندگی وی نمی توان یافت. آنچه از اشعار شاعر و منابع موجود به دست می آید، این است که ابن نضوح در تبریز نشو و نما یافته و بیشترین قسمت عمر خودش را نیز در آنجا سپری کرده است. علوم متداول زمان خودش را در همان جا و از بزرگان آن دیار فراگرفته و در شاعری نامدار گردیده است. وی شاعری است اهل فضل و دانش و آراسته به دانش ها و هنرهای زمان خودش و خود به صراحت در لابه لای اشعارش به این حقیقت اشاره کرده است. او علاوه بر آن از استادان بزرگ قصیده سرا و غزل سرای سده هشتم هجری قمری است. ابن نضوح در سیر غزل فارسی از جمله شاعران گروه تلفیق به شمار می آید؛ یعنی شاعرانی که غزلیاتشان تلفیقی از مضامین عاشقانه و عارفانه است.

ابن نضوح، بخشی از زندگی خودش را در دوران فرمانروایی ایلخانان مغول و بخش دیگرش را در زمان حکومت جلایریان سپری کرده است. دوران کودکی، نوجوانی و بخشی از دوران جوانی اش در زمان حکومت ایلخانان مغول، در یادگیری علوم و فنون رایج آن عصر و تلمذ نزد استادان آن شهر و دیار سپری شده و عهد جلایریان هم دوران شهرت و نام آوری او در شعر و شاعری و راه یافتن به دربار سلاطین جلایری است. اینکه ابن نضوح علاوه بر شعر و شاعری و تصوف، سایر علوم و فنون رایج زمانش را نزد چه کسانی آموخته است، به درستی معلوم نیست؛ اما منابع متأخر از سلمان ساوجی و علاءالدوله سمنانی به عنوان استادان او در شعر و تصوف یاد کرده اند (کاشانی، ۱۳۹۳: ۱۲۲۰).

از لابه‌لای منابع و اشعار شاعر می‌توان به سفرهای او به شهرهای مختلفی چون تبریز، سمنان، بغداد و ری پی برد. ابن نضوح، مانند بسیاری از معاصرانش، به سرودن اشعار مدحی روی آورده و شاهان، وزیران و بزرگان عصر خودش را نیز مدح گفته است. سلطان حسین، سلطان احمد، وزیر جمال‌الدین علی بوالعز، وزیر عبدالرحمن و شیخ کججی کسانی هستند که شاعر در قصایدی آنان را مدح نموده است. وی در میان شاعران گذشته به اشعار فردوسی، سنایی، سعدی، ظهیرالدین فاریابی، سلمان ساوجی، جلال طبیب شیرازی، کمال‌الدین اسماعیل و حافظ شیرازی نظر داشته و در لفظ و معنی و محتوا و مضمون از آن‌ها استقبال کرده است.

از مدت عمر و چگونگی وفات ابن نضوح نیز در منابع اطلاع دقیق و مشخصی در دست نیست. برخی منابع وفات او را سال ۷۳۷ ذکر کرده‌اند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳: ۲/ ۶۲۹؛ نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۱۱). اما آنچه از محبت‌نامه ابن نضوح به دست می‌آید، وی تا سال ۷۸۸ (ه.ق) که تاریخ ختم محبت‌نامه است، در قید حیات بوده و در تبریز روزگار می‌گذرانده است. تنها تاریخی که در این مورد نزدیک به واقعیت می‌نماید، همان تاریخی است که تقی‌الدین ذکر کرده است. طبق نقل وی وفات ابن نضوح در سال ۷۹۳ (ه.ق) در تبریز اتفاق افتاده است (کاشانی، ۱۳۹۳: ۱۲۳۰)؛ اما در کتاب *روضات الجنان و جنات الجنان* ابن‌الکربلایی که راجع به مزارات تبریز و محل دفن بزرگان در تبریز نوشته شده، چیزی راجع به ابن نضوح و محل وفات او ذکر نگردیده است.

در تذکره‌ها و تراجم دو اثر از ابن نضوح گزارش شده است: یکی مثنوی محبت‌نامه و دیگر دیوان اشعار شاعر که حاوی چهارهزار بیت بوده و در عراق و فارس یافت شده است. دیوان اشعار شاعر را تقی‌الدین کاشانی در دست داشته و نهصدوپنجاه بیت از ابیات او را نیز به انتخاب خود در *خلاصة الأشعار* نقل کرده است. مثنوی محبت‌نامه

که به ده‌نامه ابن‌نصوح نیز مشهور است، به بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف سروده شده و از ده‌نامه‌های مشهور قرن هشتم هجری است. موضوع محبت‌نامه، وصف حالات عاشق و معشوق است که در نامه‌های متعدد (ده‌نامه) و به وسیله ده پیک مختلف از جانب عاشق و معشوق به هم ردوبدل شده است. در بین نامه‌ها غزلیاتی نیز از زبان عاشق و معشوق نقل گردیده که هم‌وزن مثنوی است.

بهترین دلیل برای اثبات تشیع او، اشعار به‌جامانده از وی است. در خلاصه‌الاشعار از ابن‌نصوح ترکیب‌بندی در منقبت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> نقل گردیده که به‌وضوح بیانگر تشیع او است. این ترکیب‌بند که با بیت زیر آغاز می‌گردد،

گوهری در طینت آدم مخمّر کرده‌اند

وز شعاعش دیده عالم منور کرده‌اند

(کاشانی، دست‌نویس ۱۰۴ب: ۱۳۲)

دارای پنج بند و سی‌وپنج بیت است. ابیات هر بند به آیات و احادیث فراوانی پیرامون امیرالمؤمنین اشاره دارد که شیعیان دوازده‌امامی به آن‌ها معتقدند. شاعر در یکی از ابیات این ترکیب‌بند صریحاً به وصایت امیرالمؤمنین اشاره کرده و حضرت را امام و پیشوای مردم بعد از رسول خدا می‌داند:

در امامت خطبه صولت به نام حیدر است

در خلافت سکه دولت به نام حیدر است

(همان: همان‌جا)

این ترکیب‌بند با تأکید شاعر بر عقیده خودش این‌گونه به پایان می‌رسد:

بلبلان گلشن اخلاص چون ابن نضوح

هر سحرگه ورد اخلاق علی از بر کنند

(همان: همان‌جا)

علاوه بر این ترکیب‌بند از ابن نضوح قصیده‌ای داریم در نعت پیامبر<sup>(ص)</sup> که در بخشی از آن، شاعر به اهل بیت آن حضرت و امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> این‌گونه اشاره کرده است:

هر روبهی که خصمی شیر خدا کند

دائم یقین که در دو جهان خصم او خداست

جفت بتول و صاحب تیغ دو سر علی

کز خاک پاش طاق سماوات را علاست

آن مهر آسمان امامت که نور او

تابنده از مطالع گردون لافتاست

چون خلقتم ز آل عبا رنگ یافته

روی سیه‌گلیمی من آل از آن عباس است

(همان: ۱۳۳)

تمام ابیات یادشده حکایت از باورها و اعتقادات شیعی شاعر دارد. البته ناگفته نباید گذاشت که عبدالله شرف‌الدین نویسنده کتاب مع موسوعات رجال‌الشیعه، شیعه بودن ابن نضوح را رد کرده و گفته است چون ابن نضوح در شیراز می‌زیسته، سنی‌مذهب است؛ زیرا تا زمان صفویه در شیراز کسی به شیعه‌گرایی نداشت است

(شرف‌الدین، ۱۴۱۱: ۱۰۶). این در حالی است که ابن‌نصوح از اوان کودکی در تبریز بزرگ شده و تشیع او در قرن هشتم که دوران گسترش حیات اجتماعی و سیاسی شیعه است، بعید به نظر نمی‌رسد و از سوی دیگر، گرایش‌های حکمرانان ایلخانی و جلایری به عقاید شیعی نیز از مواردی است که تشیع او را تأیید می‌کند.

## ۲. پیشینه تحقیق

قدیم‌ترین منبع پیرامون ابن‌نصوح، تذکره دولت‌شاه سمرقندی است که در آن، به مواردی چون نام، سال تولد، محل و تاریخ وفات شاعر اشاره‌ای نشده است. بیشتر محققانی که به این شاعر پرداخته‌اند، محبت‌نامه او را که یکی از ده‌نامه‌های مشهور در شعر فارسی است، مطمح نظر قرار داده‌اند. در بسیاری از تذکره‌ها هم صرفاً یک رباعی از وی به عنوان نمونه اشعار نقل شده که البته در صحت انتساب همین رباعی به او نیز تردید است.

دولت‌شاه در مدخل مربوط به ابن‌نصوح می‌نویسد: «ابن‌نصوح فارسی، نور الله مرقد، از جمله فضلی روزگار و از بزرگ‌زادگان فارس بوده و به روزگار سلطان ابوسعیدخان ده‌نامه نظم کرد به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشید وزیر و آن نسخه در میان مستعدان شهرتی عظیم دارد» (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۲۵). بعد از تذکره‌الشعرا، منابع زیادی از ابن‌نصوح نام برده است؛ اما بسیاری از آن‌ها به نحوی همان جملات دولت‌شاه را تکرار کرده و مانند او به ذکر یک رباعی که انتساب آن به ابن‌نصوح خالی از تردید هم نیست، بسنده کرده‌اند.

بعد از دولت‌شاه سمرقندی مهم‌ترین منابع متقدمی که ترجمه حال ابن‌نصوح را نقل کرده‌اند، تذکره خلاصه‌الشعرا و زبدة‌الافکار تقی‌الدین کاشانی، عرصات‌العارفین

و عرفات‌العاشقین اوحدی بلیانی و تذکرهٔ صحف ابراهیم از علی ابراهیم‌خان خلیل هستند؛ هرچند به نظر می‌رسد علی خلیل نیز در صحف ابراهیم همان چکیدهٔ گفته‌های تقی‌الدین کاشانی را آورده باشد. در تذکره‌ها و منابع مختلف از او به نام‌های خواجه فضل‌الله (کاشانی، ۱۳۹۳: ۱۲۱۲)، محمود (مبشرالطرازی، ۱۹۶۶: ۱۲۹) و آنس (هاشمی سندیلوی، ۱۹۶۸: ۱۴۲) یاد کرده است و طبق نقل خلاصه‌الاشعار، پدر وی «نضوح» از جمله بزرگان دیار فارس بوده که در سفری به تبریز در آنجا اقامت اختیار می‌کند.

سایر منابعی که از ابن نضوح نام برده یا به اشعار او پرداخته‌اند، منابعی هستند که محبت‌نامهٔ او را که یکی از ده‌نامه‌های مشهور ادب فارسی است، مورد توجه قرار داده‌اند. علی محدث براساس یک نسخه به چاپ محبت‌نامه در دانشگاه افسس دست زده است که این چاپ فاقد حدود یکصد بیت از ابیات موجود در سایر نسخ است و نیز بسیاری از ابیات به علت ناخوانا بودن در نسخهٔ وی، به صورت ناقص چاپ شده‌اند. برخی محققان نیز در حین پرداختن به گونهٔ ادبی ده‌نامه، به ابن نضوح و محبت‌نامهٔ او توجه داشته‌اند. در مقالهٔ حاضر، اندیشه و افکار ابن نضوح شیرازی در اشعار به‌جامانده از این شاعر بررسی خواهد شد.

### ۳. سطح فکری

#### ۳-۱. موضوعات دینی

یکی از موضوعات بسیار مهم در شعر ابن نضوح شیرازی، موضوعات دینی و پرداختن به شخصیت‌های بزرگ دینی است. با اینکه به تمامی اشعار دیوان شاعر دسترسی نداریم؛ اما در مطاوی همین اشعار باقی‌مانده از او به آیات و روایات زیادی برمی‌خوریم که نشان‌دهندهٔ اهمیت و جایگاه تفکر دینی در اندیشهٔ شاعر است.

پیامبر اسلام (ص) از جایگاه ویژه‌ای در شعر شاعر برخوردار است. قصایدی که در توحید خداوند و نعت پیامبر (ص) در خلاصه‌الشعار نقل گردیده، به آیات و روایات زیادی پیرامون شخصیت آن حضرت اشاره دارد. شاعر پیامبر اسلام را پیشوای همه انبیای الهی می‌داند:

بی سایه همچو جان و جهان زیر سایه‌اش  
از انبیا مؤخر و بر جمله پیشواست

(کاشانی، دست‌نویس ۱۰۴ ب: ۱۳۳)

شاعر در شعر خودش به برخی از آیات قرآنی پیرامون شخصیت آن حضرت نیز اشاراتی دارد:

داده شمعی را فروغ از دوده عبد مناف  
کز شعاعش دوده دل نور ایمان یافته  
گاه چشمش را کشیده کحل «ما زاغ البصر»  
که دلش را مهبط انوار قرآن یافته  
چون قدم در راه «سبحان الذی اسرى» زده  
مرکب عزمش گذر زین هفت میدان یافته

(همان: همان جا)

و یا در جای دیگر:

که بر سرش نهاده کلاه «لعمرك» است  
گاهی کشیده در بصرش کحل «ما طغاست»

(همان: همان جا)

طراز کسوت «لولاک» نامش

بیان ستر «ما اوحی» کلامش

(همان: همان‌جا)

در ابیات بالا به ترتیب به آیات ۱۷ سوره نجم، ۱ سوره اسراء، ۷۲ سوره حجر و ۶۳ سوره عنکبوت اشاره شده است. شاعر علاوه بر آیات کتاب الهی، به روایات زیادی پیرامون آن حضرت اشاره کرده است. برخی از ابیات، به طور مستقیم به احادیثی که پیرامون آن حضرت است، اشاره نموده است و برخی دیگر ترجمه احادیثی بوده که در شأن آن حضرت در منابع نقل گردیده است:

اگر درج نبوت یافت آدم

نبودش قیمتی بی مهر خاتم

محمد آن‌که مقصود از جهان اوست

مراد از گردش هفت آسمان اوست

(خالق‌یار، ۱۴۰۱: ۱۵۱)

بیت فوق و ابیات دیگری که در نعت رسول خدا آمده، ترجمه حدیث مشهور «لولاک لما خلقت الافلاک» است و یا بیت زیر که ترجمه حدیث «الفقر فخری» است:

وآن کوس سلطنت زده زیر گلیم فقر

کز فخر پادشاه جهان بر درش گداست

(کاشانی، دست‌نویس ۱۰۴ ب: ۱۳۳)

در زیر اشعاری نقل می‌شود که شاعر در آن‌ها مستقیماً به متن احادیث و گفته‌های

آن حضرت اشاره کرده است:

وآن بلبیل فصیح که در گلستان شرع  
نطقش به نغمه «أنا أفصح» غزل سراسر است

اوقات «لِی مَعَ اللَّهِ» او در لباس کشف  
بر سر حال «لِیَسْكَ فِي جَبْتِی» گواست

هردیگ فکرکز «أنا أملح» نمک نیافت  
مهمان روح را ز اباهای او اباست

(همان: همان جا)

شاعر حضرت را از شفیعان روز محشر دانسته و نعت خود را با اشاره به شفاعت  
رسول خدا و التجاء به آن حضرت این گونه به پایان می برد:

در دامن شفاعت احمد ز نیم دست  
زیرا که کحل عاطفتش دستگیر ماست

ما کشتگان راه نجاتیم یا شفیع  
ما را چراغ رحمت عام تو رهنماست

آن را که سرز رشته طاعت کشیده است  
حبل المتین لطف تو سر رشته رجاست

(همان: همان جا)

حضرت علی<sup>(ع)</sup> نیز از جایگاه والایی در اشعار ابن نصوح شیرازی برخوردار است.  
شاعر ضمن اینکه حضرت را امام و پیشوای خلق بعد از رسول خدا می داند،

در امامت خطبهٔ صولت به نام حیدر است  
 در خلافت سکهٔ دولت به نام حیدر است  
 سالک سلک حقیقت مالک ملک یقین  
 پیشوای راه ایمان رهنمای اهل دین

(همان: ۱۳۲)

در اشعارش به آیات و روایات بسیاری پیرامون آن حضرت اشاره کرده و با استفاده از احادیث نبوی، دشمنان او را دشمنان خداوند دانسته است:

هر روبه‌ی که خصمی شیر خدا کند  
 دائم یقین که در دو جهان خصم او خداست  
 جفت بتول و صاحب تیغ دو سر علی  
 کز خاک پاش طاق سماوات را علاست  
 آن مهر آسمان امامت که نور او  
 تابنده از مطالع گردون «لافتاست»

(همان: همان جا)

ابیات فوق برگرفته از خطبهٔ غدیر است که رسول خدا در حق دوستان و دشمنان آن حضرت می‌فرماید: «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، وانصر من نصره واخذل من خذله». در زیر به احادیث دیگری پرداخته می‌شود که در شعر ابن نضوح به آن‌ها اشاره شده است:

خوانده‌اند از صفحهٔ تیغش به روز کارزار  
 «لافتی الأعلی لا سیف الأذوالفقار»

(همان: همان جا)

و یا در ادامه بیت قبل در ترکیب بندی که به طور مستقل درباره آن حضرت سروده است، به حدیث منزلت که از احادیث بسیار مشهور در شأن آن حضرت بوده، این گونه اشاره کرده است:

هم به صورت بر سپهر «انت متی» آفتاب

هم به معنی بر سر تخت «سلونی» پادشاست

(همان: همان جا)

مراد از «انت متی»، همان حدیث منزلت است که حضرت فرمود: «یا علی انت متی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي». در همین بیت یکی از جملات خود آن حضرت که در نهج البلاغه آمده نیز ذکر شده است. حضرت در نهج البلاغه یک تحدی جهانی دارد و آن تحدی این است: «سلونی قبل ان تفقدونی» یعنی: تا از میان شما نرفته ام، از من بپرسید.

از دیگر احادیثی که در شعر ابن نصوح به آن اشاره شده، حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» بوده که شاعر به تکرار در ابیاتش از آن استفاده کرده است:

آن «در بابهاست» که بر درج شهر علم

از خاتم ولایت او مهر با بهاست

(همان: همان جا)

در شعر ابن نصوح نیز به یکی از سوره های قرآن کریم (سوره انسان) اشاره شده است که آیه ای دارد مشهور به آیه اطعام و بنا به قول مفسران شیعه و برخی از بزرگان اهل سنت، در شأن حضرت علی (ع)، فاطمه زهرا (س) و حسنین (ع) و خادم آنان فضا

نازل شده است:

بحر ضمیر او صدف در «لَو کشف»

ذات شریف او گهر درج «هل أتى» ست

(همان: همان جا)

شاعر امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> را خورشید عالم تاب و بی‌زوال عدالت می‌داند و در این باره می‌فرماید:

آن‌که بر چرخ خلافت آفتاب عدل او

بی‌زوال است از کسوف «لا احب الاقلین»

(همان: همان جا)

در همین ترکیب‌بند به نظر نگارندگان حتی اشاراتی به ظلم و اجحاف‌هایی که در حق آن حضرت گردیده نیز شده است:

در سراب ظلم اگر رود علی بر خشک ماند

در ریاض روضه جاش از چشم‌ها برتر کنند

(همان: ۱۳۴)

شاعر براساس حدیث کساء حضرت علی<sup>(ع)</sup>، حضرت زهرا<sup>(س)</sup> و حسنین<sup>(ع)</sup> را اهل بیت پیامبر دانسته و از سوی دیگر، با استفاده از احادیث نبوی خلقت خودش را رنگ‌یافته از آل عبا می‌داند:

چون خلقتم ز آل عبا رنگ یافته

روی سیه‌گلیمی من آل از آن عباس است

(همان: ۱۳۲)

یکی از جملات بسیار مشهور خلیفه دوم درباره حضرت علی<sup>(ع)</sup> که در منابع شیعه و سنی نقل گردیده، جمله «لولا علی لهلك عمر» است که شاعر ضمن یکی از ابیاتش به آن اشاره کرده است:

آب روی باغ عدل از منبع «لولا علی» است

فتح باب دین ز مفتاح «علی بابهاست»

(همان: همان جا)

حضرت زهرا<sup>(س)</sup>، امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> و امام حسین<sup>(ع)</sup> از دیگر کسانی هستند که شاعر در شعر خود به آن‌ها اشاره کرده است:

هر شب ز شرم عصمت زهرا عروس مهر

در سر کشیده دامن این نیلگون غطاست

تا صبح حشر مجمع حوران هشت خلد

روشن بدان دو شمع دل افروز مرتضی است

(همان: همان جا)

او در ترکیب بند خودش به زیبایی از آن دو امام همام نام برده است:

آمده است از موج این دریا دو گوهر برکنار

کز کرامت ذاتشان مقصود نظم عالم است

(همان: همان جا)

اینکه شاعر در نعت پیامبر<sup>(ص)</sup> به اهل بیت آن حضرت اشاره کرده، بسیار قابل تأمل است. وی در بیتهایی که در ادامه می‌آید، به حدیث رسول خدا<sup>(ص)</sup> که فرمود: «ان

الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة» نیز اشاره نموده و به زیبایی این حدیث را به زبان شعر ترجمه کرده است:

اصحاب او که انجم گردون هم‌تند

نور حسین عصمت او شمع اهتداست

(همان: همان جا)

در ابیات دیگر نیز به واقعه شهادت امام حسن و امام حسین<sup>(ع)</sup> این‌گونه اشاره کرده است:

شد زهره همچو رابعه چرخ در کبود

از بهر زهر خورده زهرا مگر عزااست

چون کعبه آب چشمه حیوان سیاه پوش

بر سوگ تشنگان بیابان کربلاست

(همان: همان جا)

در ترکیب بندی که در مدح امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> از ابن نضوح به جامانده نیز به شهادت آن دو امام همام اشاره گردیده و ترکیب بند را با ذکر مرثیه آن بزرگواران و ظلمی که در حق حضرت علی<sup>(ع)</sup> روا داشته شده، به پایان برده است:

زهره خرمهره سازان بین که در بازار دهر

می‌زنند این را به تیغ و می‌کشند آن را به زهر

خاکیان فردا که چون گرد از زمین سر برکنند

در جفای آل مروان خاک ره بر سر کنند

آنچه رفت از ظلم آن کافردلان بر اهل بیت

مؤمنان یک یک شکایت پیش پیغمبر کنند

ساقیان روضه بهر دردنویشان بلا

شربتی از سلسبیل خلد در ساغر کنند

هر نفس لب تشنگان کربلا در بزم خلد

التماس ساغری از ساقی کوثر کنند

(همان: ۱۳۴)

از دید شاعر، دشمنان اهل بیت رسول خدا<sup>(ص)</sup> خرمهره سازان و کافردلانی اند که فردا همه مؤمنان از آن‌ها به پیامبر شکایت خواهند برد و در جایی دیگر شاعر خطاب به مخالفان قیام حسینی می‌فرماید:

هر کس که [با] طریق حسینی مخالف است

از سازهای پرده عشاق بینواست

(همان: ۱۳۲)

به عنوان نکته پایانی این بخش باید یادآور شد که با استناد به ابیات شاعر و محتوای آن، شیعه بودن ابن نضوح قطعی به نظر می‌رسد. به عنوان کلام آخر به یک بیت از قصیده شاعر اشاره می‌کنیم که در استقبال از قصیده سلمان ساوجی سروده شده و شاعر به ظرافت و زیبایی در آن به اعتقاد شیعی خودش تصریح کرده است:

عمر صلابت و عثمان حیا و حیدر دل

که زنده گشت بدو دین احمد و سننش

(ساوجی، ۱۳۷۱: ۲۴۶)

این شعری است از سلمان ساوجی که در مدح ممدوح خودش به کار برده و ابن نضوح در قصیده‌ای که به استقبال قصیده فوق سروده است، این‌گونه به اعتقاد شیعی خودش تصریح می‌کند:

حسین خلعت و احمدشعار و حیدردل

که احمد است علی‌وار سیرت حسنش

(کاشانی، دست‌نویس ۱۰۴ ب: ۱۳۱)

### ۲-۳. پند و اندرز

یکی دیگر از مسائل مطرح در شعر ابن نضوح، ادب تعلیمی است. پند و اندرز و به صورت عموم ادب تعلیمی در شعر شاعران کلاسیک از جایگاه مهمی برخوردار است. بسیاری از توصیه‌های اخلاقی و اندرزهای شاعر، ریشه در گنجینه ادب فارسی دارد.

### ۱-۲-۳. نکوهش دنیا و دوری از آن

یکی از موضوعات مهم در شعر ابن نضوح، دل‌کندن از دنیا و عدم تعلق به آن است. شاعر در جای‌جای اشعارش به این موضوع اشاره کرده است. دنیا از دید ابن نضوح خرابه‌ای است که انسان نباید به آن دل ببندد:

دل بر رباط کهنه دنیا چه می‌نهی

کی در چنین خرابه مسافر کند مقام

گردی ز پشت مرکب چوبین شکار گور

بهرام‌وار گر بودت خنگ چرخ رام

(همان: ۱۳۴)

دنیا از دید شاعر عجزه‌ای هزار داماد است:

دلا مبر هوس عشق گنده پیر جهان

که غیر عشق تو هر روز در سرش هوسی است

اگر حریفی از این سست مهر دل برکن

که گنده پیر جهان را حریف چون تو بسی است

از این عجزه کناری گزین اگر مردی

که قحبه‌ای است که هر روز در کنار کسی است

(همان: ۱۳۸)

مرو ز راه به شیرینی عجزه دهر

اگر نه زود شوی سنگ سار چون فرهاد

(همان: ۱۴۴)

انسان در شعر ابن نضوح، «بلبل بستان سرای قدس» است و نباید خودش را اسیر

تعلق‌های جسمانی و دنیایی کند و به کمتر از بهشت بفروشد:

هر دم به گوش بلبل جانم در این قفس

از طایران سدره نشین می‌رسد پیام

کای عندلیب گلبن بستان سرای قدس

چندین ز بهر دانه چراییی اسیر دام

پر برگشا از این قفس تنگ چون هما

عنقاصفت ز قاف قناعت برآر نام

(همان: ۱۳۴)

**۲-۲-۳. ترک طمع**

شاعر آسایش و آرامش را در گرو دوری از تعلقات جسمانی و ترک طمع می‌داند:

گردد زمانه از بن دندان به کام تو

دندان بی‌نیازی اگر برکنی ز کام

(همان: همان‌جا)

**۳-۲-۳. دوری از هوای نفس**

ریاضت کشیدن و دوری از هوای نفس نیز در جای‌جای اشعار شاعر به چشم می‌خورد:

ای نفس اگرت رغبت مردار جهان است

تا سگ ز تو نزدیک خرد فرق بسی نیست

از سر هوس دولت ده‌روزه برون کن

رو ترک هوس کن که از این به هوسی نیست

(همان: ۱۳۸)

ز شوق ابروی ترکان دوتا مشو چو کمان

بتاب روی ز محراب نفس کافرکیش

(همان: ۱۳۷)

**۴-۲-۳. دوری از هم‌نشین بد**

این موضوع در شعر او به تکرار بیان شده است:

گر خردمندی به گرد صحبت دونان مگرد

زانکه هرگز درنیامیزد ملک با اهرمن

دور باش از سلک این جمع پریشان بنات

تا در این نقش کهن مجموع باشی چون پرن

(همان: همان جا)

یا در مثنوی محبت نامه:

بهای نافه از آهوی چین است

صلاح هم نشین از هم نشین است

(خالق یار، ۱۴۰۱: ۱۶۳)

### ۳-۲-۵. تواضع و فروتنی

شاعر در مثال زیبایی فروتنی را این گونه ستوده است:

گل که او شاه ریاحین است بر اقطاع باغ

می نشانندش به زیر بید در بزم چمن

بید را جز باد خیری نیست در کف زان خلاف

هست گل را زین تواضع خرده زر در دهن

(کاشانی، دست نویس ۱۰۴ ب: ۱۳۷)

### ۳-۲-۶. قناعت

باز بر قاف قناعت نفس عنقا عزلتم

با فراغ بال می جوید مقام برتری

بارها با نفس در کنج قناعت گفته ام

خون خوری بهتر که بر خوان کسان حلوا خوری

در لگدکوب تحمل صابرم دائم چو خاک

خاک بر سر بادم از چون باد باشم هر دری

(همان: ۱۳۸)

### ۳-۲-۷. پیروی از عقل

خرد زبان نصیحت گشاد کای عاقل

ز حرص نوش چرایی مشو معارض نیش

مباش پیرو دزد خیال خرمن سوز

مکن مخالفت پیر عقل نیک اندیش

(همان: ۱۳۷)

### ۳-۲-۸. تلاش در کسب فضایل

در کسب هنر کوش که در منصب دنیوی

ارباب هنر را به از این ملتسمی نیست

غافل منشین یک نفس از کسب فضایل

کاین عمر گران مایه به غیر از نفسی نیست

(همان: ۱۳۸)

### ۳-۲-۹. صبر و استقامت

دعوت به صبر و پایداری بسامد بالایی در شعر ابن نضوح دارد. شاعر صبر و

استقامت را کلید هر پیروزی و دستاوردی می‌داند:

هر آن کس راکه صبری هم‌نشین است

کلید کام دل در آستین است

دوای عاشق بیمار صبر است

گرفتاران غم را کار صبر است

(خالق یار، ۱۴۰۱: ۱۸۴)

یا در جایی دیگر:

که گرتلخ است جام صبر درکش

که روزی هم دهانت را کند خوش

سیه‌رنگ است صبر اما چه زان

که در ظلمت توان یافت آب حیوان

(همان: ۱۷۷)

### ۳-۳. دوری از عشق مجازی و گرویدن به معشوق حقیقی

با اینکه مثنوی محبت‌نامه داستان عشق زمینی یا به تعبیری عشق مجازی است، ولی شاعر در پایان مثنوی محبت‌نامه زبان به نصیحت گشوده و خواننده را از عشق‌های مجازی برحذر می‌دارد:

دلا راه هوس‌بازی رها کن

ز محراب هوس رو با خدا کن

هوس‌بازی ز راه عشق دور است

هوا در سر ز شهوت یا غرور است

هوا را دست غیرت بر قفا زن

سر صاحب هوس را پشت پا زن

نقاب تن ز روی جان برانداز  
 سرای دل ز غیر حق پرداز  
 قلم بر نقش‌های مانوی کش  
 تو را با عشق‌های معنوی خوش  
 نظر با زلف و رخ تا چند بازی  
 چنین با رنگ و بو تا چند سازی  
 تو را از منزل صورت گذر نیست  
 تو را از عالم معنی خبر نیست

(همان: ۲۱۱)

اندیشه و مفاهیم عرفانی در پوست و جان اشعار شاعر به وضوح مشاهده می‌شود. حتی در لابه‌لای مثنوی محبت‌نامه که داستان عاشقانه است نیز رگه‌هایی از مفاهیم و اندیشه‌های عرفانی دیده می‌شود؛ اما آنچه مشخصاً بیانگر گرایش شاعر به عرفان و تصوف بوده، غزلیات شاعر است. غزلیات ابن نضوح نزدیک‌ترین غزل به سبک حافظ و سلمان ساوجی است. شعر مغانه فارسی و تجاوز به قلمرو تابوهای حاکم بر جامعه در شعر ابن نضوح به شکل گسترده به چشم می‌خورد. با هزاران تأسف که از غزلیات وی تعداد بسیار اندکی در دسترس ماست؛ ولی در همین غزلیات اندک هم استادی او در سرودن غزل‌های عاشقانه و عارفانه به خوبی آشکار است.

#### ۴. توصیف‌های هنری و شاعرانه

در مثنوی محبت‌نامه شاعر در نامه‌هایی که به واسطه ده پیک بین عاشق و معشوق ردوبدل شده است، دست به فضاسازی و خلاقیت‌های هنری زده که به عنوان نمونه

در اینجا به بخش‌هایی از آن فضاسازی‌ها و توصیفات شاعرانه اشاره می‌گردد:

#### ۱-۴. وصف حال عاشق

از موارد پرتکرار در ابیات دیوان ابن نضوح و مثنوی محبت‌نامه اوست:

درونی دارد از هجر تو خسته

دلی دارد چو گیسویت شکسته

دماغی دارد از زلفت مشوّش

وجودی دارد از عشقت در آتش

شبی دارد ز هجرانت مطوّل

غمی دارد چو گیسویت مسلسل

غمش را بی‌توازشادی خبر نیست

شبش را بی‌تو امید سحر نیست

(همان: ۱۶۹)

#### ۲-۴. وصف معشوق

مثنوی محبت‌نامه و تغزل‌های قصاید شاعر حاوی توصیف‌های زیبا و هنری در این

باب است:

گشاد از درج لؤلؤ قفل یاقوت

کز آن دارد دل و جان قوّت و قوت

حدیش طعنه بر تنگ شکر زد

عقیقش خنده بر عقد گهر زد

گهر می‌سفت لعلش دانه‌دانه  
 شکر می‌ریخت قندش خانه‌خانه  
 ز لعلش خنده می‌زد بر گهر سنگ  
 ز قندش خانه می‌شد بر گهر تنگ  
 نکت می‌کرد پیدا در تکلم  
 گهر می‌کرد پیدا در تبسم

(همان: ۲۱۰)

#### ۳-۴. وصف باد صبا

توصیف باد صبا در شعر ابن نضوح به تکرار دیده می‌شود:

تو داری رهگذر بر کوی محبوب  
 تو جان می‌پروری بر بوی محبوب  
 رود بازار مشک آن لحظه بر هم  
 که از گیسوی محبوبم زنی دم  
 گهی از زلف دلبر مشک‌بیزی  
 گهی در کوی جانان صبح‌خیزی  
 سحر در حلقه‌ گیسوی دلبر  
 گشایی تنگ مشک و بار عنبر  
 تو بگشایی نقاب از چهره گل  
 تو خم در خم زنی گیسوی سنبل

## دماغت داشت بویی از صبابت

از این معنی صبا آمد خطابت

(همان: ۱۶۷)

یا در جای دیگر:

تو دادی غنچه دوشیزه را دم

به یک دم کردی اش رسوای عالم

بر او چون یافتی دست خیانت

از او برداشتی مهر امانت

بدین تهمت دریدی دامنش را

بیالودی به خون پیراهنش را

بیامد دختری بر باد داده

شده بدنام و زر بر سر نهاده

تو آوردی شبیخون بر سر شمع

به یک دم کشتی او را در بر جمع

دل پروانه از جان دشمن توست

که خون یار او در گردن توست

گل از دستت گریبان می کند چاک

ز جورت سبزه بر سر می کند خاک

(همان: ۱۷۰)

## ۴-۴. وصف روز

توصیف هنری و شاعرانه شب و روز از توصیف‌های بسیار رایج در ادب فارسی بوده و در اشعار ابن نضوح نیز به وفور آمده است:

چو مشک شب منور شد به کافور

برون آمد ز ظلمت چشمه نور

به آب زر خطی بر لوح سیماب

نوشتند از برای بستن خواب

رقم بر لوح زنگاری کشیدند

جهان را کحل بیداری کشیدند

(همان: ۱۶۳)

## ۴-۵. وصف آفتاب

آفتاب به عنوان یکی از پیک‌های محبت‌نامه نیز در شعر شاعر وصف شده است:

ز نورت بر عروس خاک زیور

ز جودت کیسه خاور پر از زر

به قدت چابک آمد جامه حسن

ز رویت گرم شد هنگامه حسن

نظر گستاخ نتوان کرد سویت

که چشم کس نیارد تاب رویت

در اقطار فلک صاحب‌قرانی

سریرآرای ملک آسمانی

تو در میدان گردون یک سواره

زنی هر صبح بر خیل ستاره

(همان: ۱۶۴)

#### ۴-۶. وصف شانه

از دیگر پیک‌هایی بوده که شاعر از زبان معشوق او را به زیبایی توصیف کرده است:

که ای حلال هر مشکل زبانت

به جز مشکل‌گشایی نیست شانت

کند در وصف گیسویی به صد بخش

زبانت بی سخن مویی به صد بخش

تویی مشاطه گیسوی معشوق

تو می‌آری شکن در موی معشوق

کند در عقد مشکینی سلاسل

زبان موشکافت حل مشکل

تو جمع آری ز چین زلف دلبر

به دامن نافه‌های مشک اذفر

(همان: ۱۷۸)

#### ۴-۷. وصف آئینه

آئینه به تکرار در ابیات ابن نضوح به کار رفته و توصیف شده است:

تویی مشکات شمع روی هر ماه

تویی بالانشین دست هر شاه

تجلی‌گاه حسن دلبرانی  
به خلوت محرم سیمین‌برانی  
از آنی محرم خوبان به هر جا  
که کرد ایزد به تأنثت مسما  
جبینت مطلع انوار حسن است  
دلت گنجینه اسرار حسن است  
تو در جوهرنمایی روشناسی  
که نقد حسن را نیکو شناسی

(همان: ۱۸۳)

#### ۸-۴. وصف شمع

در شعر ابن نضوح شمع انیس شب‌زنده‌داران و زندان نامیده شده است:

که ای انجم‌نمایی انجمن‌ساز  
به دیدار تو چشم انجمن باز  
تویی چشم و چراغ شب‌نشینان  
تویی مجلس‌فروز مه‌جبینان  
غلام دودمان توست عنبر  
که کافوری کند در بزم دلبر  
توراگر خردۀ زر در دهان است  
به مجلس با حریفان در میان است  
تو تا در مجلس رندان فتادی  
زرافشاندی و جان بر سر نهادی

تورا چون صبح تیغ آتشین است

سوادالملک شامت در نگین است

(همان: ۱۸۸)

#### ۹-۴. وصف پروانه

از پیک‌های محبت‌نامه که مژده وصال معشوق را به عاشق می‌آورد:

تو تا در پای یار خود نمیری

ز پای یار خود سر بر نگیری

تویی آن کو که پیش یار مهوش

سیاوش و ش زنی خود را بر آتش

و گر بادی وزد بر فرق دلبر

تورا آتش درافتد پای تا سر

ز سرخوش هوایی سرخوش عشق

ز عشق آتشی در آتش عشق

(همان: ۱۹۴)

#### ۱۰-۴. بازتاب اوضاع اجتماعی سیاسی

در پایان محبت‌نامه، شاعر ابیاتی در بیان اوضاع اجتماعی و سیاسی و وقایع سال ۷۸۷ ه.ق. دارد که به خوبی بیانگر اوضاع آشفته آن روزگار است. علاوه بر این در لابه‌لای سایر ابیات شاعر اوضاع و احوال آن عصر کم‌وبیش بازتاب یافته است.

در آن مدت که پای عدل شد لنگ

خلایق را فضای امن شد تنگ

به خون ساکنان اهل تبریز  
 سنان فتنه شد از هر طرف تیز  
 چو خورشید جهان پیما گروهی  
 سحر سر بر زدند از تیغ کوهی  
 ز بی‌مهری سنان‌ها آب‌داده  
 ز مشرق روی در عالم نهاده  
 محل فتنه و آشوب شد شهر  
 ز بیداد سپاه ماورالنهر

(همان: ۲۱۳)

#### ۱۱-۴. صورت و معنی

بحث در صورت و معنی از مباحث دیگری است که در شعر ابن نضوح نمود پیدا کرده است و شاعر ضمن اینکه منکر صورت نیست، ولی در بحث‌های هستی‌شناسی معنی را اصل می‌داند:

مراد ما ز صورت جان معنی است  
 که نقش صورت بی‌جان زمانیست  
 بخوان از لوح صورت نقش معنی  
 ببین در چشم مجنون روی لیلی  
 اگر با اهل معنی خیل‌تاشی  
 نگر تا منکر صورت نباشی  
 ولی بر لوح‌های نقش هستی  
 مکن چون غافلان صورت پرستی

## و گر صورت ز معنی باز دانی

به صورت از چه معنی بازمانی؟

(همان: ۱۵۷ و ۱۵۸)

یا در جای دیگر:

جهانی روی صورت در تو دارند

چه صورت، نقش معنی می نگارند

که معنی جوهر و صورت عرض شد

ز صورت جوهر و معنی عرض شد

(همان: ۱۸۳)

## ۱۲-۴. مفاخره

در شعر شاعر مفاخره به وفور دیده می شود:

آن منم کز نظم اشعار دلاویزم مدام

گوش ارباب خرد همچون صدف پرگوهر است

پادشاهان را به شعرم نام خواهد زنده ماند

وین سخن دانم که ارباب سخن را باور است

شعرپرور مادحی چالاکم و در عهد خویش

چون نمی بینم که یک ممدوح شاعرپرور است

(همان: ۱۴۶)

## ۵. نتیجه‌گیری

مهم‌ترین بخش ویژگی فکری اشعار او را موضوعات دینی و مسائل اخلاقی تشکیل می‌دهد. نعت رسول خدا و تلمیح به آیات فراوان در مدح آن حضرت، منقبت امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و حسنین<sup>(ع)</sup> و اظهار ارادت به آن ذوات مقدس، گرایش شیعی او را که تذکره‌نویسان نیز بر آن تأکید کرده‌اند، نمایان می‌کند. نکوهش دنیا، ترک طمع و دوری از هوای نفس، اجتناب از هم‌نشین بد، تواضع، قناعت، پیروی از عقل، تلاش برای کسب فضایل و گرایش به معشوق حقیقی از ویژگی‌های مهم شعر ابن نضوح به شمار می‌رود. اندیشه‌های عرفانی و عاشقانه و توصیفات شاعرانه نیز از دیگر ویژگی‌های شعر اوست. توصیفات هنری از عاشق و معشوق، باد صبا، روز، آفتاب، شانه، آئینه، شمع، پروانه و... قوت شاعری او را نشان می‌دهد. ابن نضوح همچون بسیاری از شاعران ادب فارسی، در اشعار خود مفاخره نیز کرده و اوضاع اجتماعی روزگار خویش را در بخش‌هایی از اشعارش منعکس کرده است. استادی ابن نضوح در سرودن غزل و قصیده، از ابیات او کاملاً مشهود است. اشعار او نمونه واضح و روشنی از جزالت، فخامت، استواری و روانی است و او را می‌توان از استادان مسلم سخنوری در سبک عراقی به خصوص در قصیده و غزل دانست.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اعتمادالسلطنه (۱۳۶۳). تاریخ منتظم ناصری. به تصحیح محمداسماعیل رضوانی. تهران: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۳. اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹). عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین (ج ۱). به تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخراحمد، با نظارت علمی محمد قهرمان. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۴. خالقیار، علی (۱۴۰۱). شرح احوال و تصحیح اشعار ابن نضوح شیرازی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی. با راهنمایی مسلم نادعلی‌زاده. تهران: دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت (ع).
۵. رازی، امین احمد (۱۳۸۹). هفت اقلیم (ج ۱). به تصحیح و تعلیقات سیدمحمدرضا طاهری (حسرت). تهران: سروش.
۶. ساوجی، سلمان (۱۳۷۱). دیوان سلمان ساوجی. با مقدمه و تصحیح ابوالقاسم حالت. به کوشش احمد کرمی. تهران: ما.
۷. سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲). تذکرة الشعرا. به اهتمام و تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.
۸. شرف‌الدین رامی، عبدالله (۱۴۱۱). مع موسوعات رجال الشیعه (ج ۱). لندن: الارشاد.
۹. کاشانی، تقی‌الدین (۱۳۹۳). تذکرة خلاصة الاشعار و زبدة الافکار (ج ۳: رکن دوم).

- چاپ عکسی. به کوشش یوسف بیگ باباپور و حمیده حجازی. تهران: سفیر اردهال.
۱۰. کاشانی، تقی‌الدین (دست‌نویس ۱۰۴ ب). خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار. تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۱۱. مبشر الطّرازی (۱۹۶۶). فهرست المخطوطات الفارسیته. قاهره: دارالکتب.
۱۲. نفیسی، سعید (۱۳۶۳). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی (ج ۱). چ ۲. تهران: فروغی.
۱۳. هاشمی سنندیلوی، احمدعلی خان (۱۹۶۸). مخزن الغرائب. به اهتمام محمدباقر. لاهور: پرنسپل.

